



## کتابی منظوم در «اختیارات» یا «احکام نجوم»

پدیدآورنده (ها) : متینی، جلال  
ادبیات و زبانها :: نشریه جستارهای نوین ادبی :: زمستان 1352 -  
شماره 36 (ISC)  
از 571 تا 592  
آدرس ثابت :

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/736674>

دانلود شده توسط : احسان رضانی

تاریخ دانلود : 11/05/1400

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتال، امکان پذیر و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات است. به منظور کسب اطلاعات (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

## کتابی منظوم

در

### « اختیارات » یا « احکام نجوم »

در کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد<sup>۱</sup>، در بخش کتابهای ریاضی نسخه‌ای است خطی بشماره اختصاصی ۱۵۴ و شماره عمومی ۵۳۸۱ که چون از برخی جهات حائز اهمیت است و نسخه‌ای منحصر بفرد نیز می‌نماید<sup>۲</sup> در کمال اختصار به معرفی آن می‌پردازیم. علوم اسلامی

درباره ناظم کتاب و روزگار زندگانی وی جز چند اشاره بسیار کلی و مبهم نکته‌ای دیگر در متن کتاب موجود نیست. این اشارات عبارتست از اینکه:

وی به استناد يك بيت كه در آن به نشابوری بودن لفظ «باوری مكن» اشاره شده، محتملاً نشابوری و خراسانی بوده است:

بنیوش پند و جور بدان ده که گویدت

این را مکن بلفظ نشابور باوری ۷۸.

واحکام نجوم را نزد استادی فرا گرفته بوده:

به‌تعلیم و ریاضت نیک باشد چنین آمد بهمن ز استاد گفته ۹۳.

و از جمله کتاب التفهیم لا وایل صناعةالتنجیم ابوریحان بیرونی را نیز مطالعه کرده بوده است :

ورنداری باورم برخوان چومن «تفهیم» از آنک

کز بی این کرد «بوریحان» همی «تفهیم» را ۲۸b

بعلاوه او از شاهی که احتمالاً معاصرش بوده است در چند مورد با عنوان «خسرو زمانه» و «شه» یاد کرده است :

یا ده بدان کسی که نرسد به روز وزم

چون خسرو زمانه به مردی ز هیچ کس ۷۵h

در بزم شدی میر به ورج شه شاهان

گر خواهی چونان کن و گر خواهی چونین ۱۰۰b

پس باده بدان ده که فزون باشد در بزم

از جمع خریغان چوشه از جمع سلاطین ۹۱a

موضوع کتاب در ارتباطات قمر است به کواکب دیگر در برجهای

اتنا عشر (حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس،

جدی، دلو و حوت) مشتمل بر دوازده دایره، و هر دایره مدبیل به ۳۶ قطعه

چهار بیستی، در اوزان مختلف عروضی، هر یک از فصول دوازده گانه کتاب

با عنوان «دایره اتصالات قمر بکواکب در برج ...» آغاز می شود و سپس در

ذیل آن دایره ای است که در آن عناوین سی و شش گانه فصل: مقارنه، تسدیس،

تریبیع، تثلیث، مقابله، مجاسده زحل، مشتری، مریخ، شمس، زهره، عطارد یا برج

مذکور در عنوان فصل، نوشته شده، و بعد از آن چنانکه گذشت سی و شش قطعه

چهار بیستی آمده است. نسخه خطی موجود ناقص است، یعنی از آغاز نسخه،

حداقل مقدمه کتاب و فصل نخستین (دایره اتصالات قمر به کواکب در برج

حمل) و سی و شش قطعه چهار بیتی مربوط به آن ، و از پایان نسخه، دو قطعه سی و پنجم و سی و ششم مربوط به «دایره اتصالات قمر به کواکب در برج حوت» ، و عبارتی که معمولاً کاتب در پایان نسخه می افزاید، مفقود است. آغاز و پایان نسخه بدین شرح است:

آغاز :

«دایره اتصالات قمر به کواکب دیگر در برج ثور»

پایان :

«مجاهده شمس قطعه سی و چهارم

چون او فتد مجاسده در حوت، مهر و مه را

نبود بهیچ کاری اندر جهان خیازه

آن به که گیری از همه کاری کناره گر چه

اندر خیر میانه گزیده است بر کناره

و آنرا دهی شراب کیه داند زدن بصنعت

بکاسیمار اوشتادان در رقص چار پاره

یانه بدان دهی که بشب بازی از حریفان

براسب چابکی نبود کس چنو سواره»

بدین ترتیب نسخه خطی مورد بحث دارای ۳۹۴ قطعه چهار بیتی

مختلف‌الوزن و جمعاً مشتمل بر ۱۵۷۶ بیت است .

سخن گفتن در باره «موضوع» این کتاب از حوصله این مقاله خارج

است ، ولی ناگزیر بدین مختصر اشاره می‌کند که از زمانهای قدیم ، علاوه

بر جنبه‌های علمی هیئت و نجوم ، بحث در باب «احکام نجوم» که عموماً به

جنبه‌های خرافی مسائل نجومی ارتباط پیدا می‌کند ، مورد توجه مردم

بوده است . البته کسانی که به جنبه علمی این مساله می‌پرداختند ، غیب‌گویی

منجمان را نكوهش و بی‌اعتقادی خود را به موضوعات مورد بحث در «احکام نجوم» ذکر می‌کردند. چنانکه ابوریحان بیرونی در کتاب التفهیم لاوائل صناعة التنجیم در فصل احکام نجوم بصراحت بی‌اعتقادی خود را بدین موضوع اظهار داشته و از جمله نوشته‌است: «... وقت آمد که نیز سخنانی که میان منجمان رود اندر احکام نجوم بجای آریم که قصد پرسنده این بود. و نزدیک بیشترین مردمان احکام نجوم ثمره علمهای ریاضی است. هر چند که اعتقاد ما اندرین ثمره و اندرین صناعت مانده اعتقاد کمترین مردمان است.»<sup>۳</sup> و با درجای دیگر در این مورد چنین اظهار نظر کرده‌است: «و اما حشویان منجمان که تعویبه و زرق دوست دارند از راه راست چون کسی ایشان را از چنین مسئله پرسد او را باز گردانند و بفرمایند تا سه شب بر آن اندیشه بخصبند، و بروز وهم از آن خالی ندارد آنکه بپرسد. و من این را وجهی ندانم جز محکم شدن حماقت و سپس این چون بسیجیدن مر پدید آمدن دروغشان و تباهی حکم ناگناه بر پرسنده حوالت توانند کردن که آنچه فرمودندش نیکو بجای نیارند»<sup>۴</sup>. با آنکه عالمی چون ابوریحان بیرونی «احکام نجوم» را چنین تخطئه کرده‌است، خود وی دو پنجم کتاب التفهیم را فقط به بحث درباره اصطلاحات و مائلی که مربوط به جنبه علمی «احکام نجوم» است وقف کرده. علاوه توده مردم در روزگاران پیش به احکام نجومی اعتقادی راسخ داشته‌اند و چنانکه می‌دانیم پیشگویان در درباره‌های سلاطین شرق و غرب دارای مقامی والا بوده‌اند. چون ذهن خرافه پسند عوام و خواص در سراسر جهان به تأثیر کواکب در زندگی آدمیان معتقد بوده، کتابهای بسیار نیز در این فن تألیف شده‌است.<sup>۵</sup> پروردن رویم در روزگار ما نیز علاوه بر عوام مردم که هنوز در مسائل مختلف به «شاید» و «نشاید» های احکام نجوم و پیشگویان و «تقویم‌های مخصوص» اعتقاد

دارند ، کمتر کسی از ماست که بهنگام جابجاشدن از خانه‌ای به‌خانه‌ی دیگر و یا در موقع عقد ازدواج ، با وجود بی‌اعتقادی به چنین موضوعات خرافی، تحت تأثیر قدرت همین خرافات قرارنگرفته؛ و لااقل در باب سعد و نحس بودن ساعت برای انجام پذیرفتن دو موضوعی که بدان اشاره شد از معاصین پرسشی نکرده‌باشد. نسخه‌خطی منظوم مورد بحث در فنی است که خلاصه‌ای از آنرا بعرض رسانیدم و می‌توان آنرا در شماره «دانش‌هوام» قرار داد .

نسخه‌ی ما بی‌نام است ، نام ناظمش معلوم نیست ، کاتبش را نمی‌شناسیم و نمی‌دانیم ایشان در چه روزگاری می‌زیسته‌اند ، کتاب به‌چه‌کسی تقدیم شده‌است و نسخه در چه سالی تألیف گردیده و به‌کتابت در آمده‌است. یقیناً جواب همه این مجهولات در مقدمه کتاب و ورق آخر نسخه که همه مفقود است مذکور بوده . برای پاسخ‌دادن به برخی از موضوعاتی که مذکور افتاد ناگزیریم فقط به متن نسخه موجود که با احتمال قوی منحصر بفرد نیز هست مراجعه کنیم و در باب رسم الخط نسخه ، نکات دستوری ، اضات و ترکیبات و اصطلاحات آن و برخی از اشارات ، مندرج‌الذکر کتاب به مطالعه بپردازیم .

رسم الخط نسخه کهنه است و تاحدی می‌تواند مارا درباره تاریخ تقریبی کتابت آن راهنمایی کند . اینست اختصاصات رسم الخط آن :

۱- چنانکه می‌دانیم در برخی از نسخه‌های خطی فارسی بسیار کهنه مصوت بلند «آ» ، علاوه بر دو شکل «آ» و «ا» به دو صورت «آا» و «اا» نیز نوشته شده‌است از جمله در نسخه خطی ابنیه عن حقایق الادویه که در سال ۴۴۷ هجری بدست اسدی طوسی کتابت شده است<sup>۱</sup> ، و نسخه‌ای از هدایة المعلمین فی الطب محفوظ در کتابخانه بادلیان آکسفورد مورخ ۴۷۸ هجری<sup>۲</sup> ، و نسخه خطی قسمتی از تفسیر سورآبادی مورخ ۵۲۲ هجری محفوظ

در کتابخانه ایندیا انیس ، لندن<sup>۸</sup> . در نسخه مورد بحث ما نیز این رسم الخط بچشم می خورد:

آز = آز ، ۲۸a ، آاز = آاز ۶۶a ، ۸۹b ، ابتدات ۶a

ان = آن ۴b ، ابتدات ۲۳b ، ۹۰a

۲- کاتب نسخه اختیارات در طرز نوشتن الف در آخر کلمات شیوه‌ای خاص دارد که در بین نسخه‌های خطی فارسی که بنده در ایران و اروپا و برخی از جمهوریهای اتحاد جماهیر شوروی دیده‌ام تنها به یک نسخه برخوردیم که از این جهت رسم الخطش با نسخه اختیارات شباهت دارد و آن نسخه‌ای است که نه از تفسیر بصائر در کتابخانه انستیتوی شرق‌شناسی لندن<sup>۹</sup> گردا<sup>۹</sup> . شیوه نگارش الف در این نسخه بدین شکل است:

بنزهدن ، معانی ، دوستزرا ، فتادن ، گاه ۱b

۳- در بعضی از نسخه‌های خطی فارسی بسیار بلذرت دیده شده است که در اتصال حرف پیش از کاف و گاف ، بجای آنکه حرف مذکور ، در ردیف کاف و گاف نوشته شود ، یعنی بهمان شکلی که ما امروز می‌نویسیم ، کاتب حرف پیش از کاف یا گاف را با اصطلاح در «سرکش» کاف و گاف قرار داده است . در نسخه مورد بحث کلمات : سگال ، سگالی ، سگانه ، آشکار ، آشکاره ، شکار ، شکافته‌ب ، سکر ، شکن ، لیکن بترتیب به شکلهای :

سجال ۵۹a ، ۵۶a ، ۶۷b ، سگالی ۵۶a ، سگانه ۲۲a ،

آشاد ۱۴b ، آشاده ۴۰b ، آشاد ۱۲a ، شافته‌ب ۵۷b ،

شکر ۴a ، شکن ۴۴a ، ولین ۶۱b

نوشته شده است. نسخه‌های خطی دیگر که رسم الخطی مشابه این نسخه دارند تا آنجا که بنده مطالعه کرده عبارتست از: الابنیه عن حقایق الأدویه مورخ ۱۴۴۷<sup>۱۰</sup>، کیمیای سعادت مورخ ۱۱۶۷۲<sup>۱۱</sup>، دیوان خاقانی مورخ ۱۲۶۶۴<sup>۱۲</sup>، ترجمه فارسی احیاء العلوم غزالی محتملاً مکتوب در قرن ۱۳ یا ۱۴ میلادی<sup>۱۳</sup>، جوامع الحکایات نسخه کتابخانه انستیتوی شرق‌شناسی لندن گراد<sup>۱۴</sup>، و نیز نسخه خطی قرآن مجید همراهِ با ترجمه فارسی و ترکی<sup>۱۵</sup> که این طرز نگارش در کلمات عربی و فارسی و ترکی آن هر سه بچشم می‌خورد.

۴- می‌دانیم موقعی که کاف یا گاف در آخر کلمه‌ای قرار بگیرند و با بتهایی نوشته شوند، علامتی چون همزه (ه) در روی این دو حرف می‌گذارند (ک، گ)، در نسخه مورد بحث، این نشانه که به همزه می‌ماند، در کنار حرف کاف و گاف بهنگامی که این دو حرف در وسط کلمه قرار می‌گیرند نیز نوشته شده است. نمونه‌هایی از این طرز کتابت عبارتست از:

نیکست **ب** ، آنکهی = آنکین **ب** ، بکف **ب** ، کو **ا** .

۵- کتابت «فاء عجمی» بشکل «ڤ» از جمله نشانه‌های رسم الخط

نسخه‌های قدیمی فارسی است. در این کتاب نیز کلمات:

لعل قام **ب** ۸۷ ، یاقه سوی **ب** ۸۸

با این رسم الخط نوشته شده است.

۶- دیگر از اختصاصات رسم الخط نسخه اختیارات عبارتست از:

نوشتن حرفهای «پ» و «ج» باینکه نقطه، و بندرت در بعضی از کلمات با سه نقطه مانند: پری **ب** ۲۸ ، پسر **ب** ۷۶ ، چار **ا** ۹۸ ، چپ **ا** ۴۰ ؛ نوشتن حرف «گ» و «ز» همه جا بشکل «ک» و «ز»؛ قرار دادن سه نقطه در زیر حرف «س»؛ مراعات قاعده ذال فارسی در تمام موارد، و اتصال کلمات «که» و «چه»

در برخی از موارد به کلمه بعد مانند: جیاید=چه باید a ۸۵ ، گیاشند=که باشد  
a ۸۵ -

اهمیت دیگر این نسخه در آنست که اکثر کلمات در آن با اعراب  
نوشته شده است و چنانکه می‌دانیم نسخه‌های خطی قدیمی فارسی که  
تاریخ کتابشان حداکثر بقرن هفتم و هشتم هجری می‌رسد از این مزیت  
برخوردارند .

مواردی که تلفظ کاتب یا ناظم نسخه اختیارات با طرز تلفظ امروز  
اختلاف دارد بدین فرار است :

خُو : بر روی کلماتی که با «خو» xw (و یا اصطلاح متأخران : واو  
مدوله) شروع می‌شود ، ضمه‌ای افزوده است و این طرز کتابت از این  
حقیقت حکایت می‌کند که این کلمات، برخلاف تلفظ امروز با «خا» و «خی»  
در کلماتی نظیر : خواب و خویش و امثال آن تلفظ نمی‌شده است : خواب  
۲۷ b ، خوار ۲۸ b ، خُواستاری ۳۳ b ، خواستن b ۴ ، خواهی ۵ a ، خواه ،  
خواهد ، خُواست ۶ a ، مِخواه ۷ a ، بگو خواه ۳۴ a ، بخواه ۷۹ a ، خوان  
(بمعنی سفره) ۸۰ a ، خواننده ۲۱ b ، خویشن ۱ b ، خویش ۲۲ a .

فچه بجای کسره : الف - بی استثنا، حرف پیش ازها، غیر ملفوظ در  
کلمات فارسی یا عربی مفتوح تلفظ می‌شده است مانند: چمانه ، کرانه ، زیانه ،  
۸ a ، معاشره ، مذاکره ، مصادره ۷ b ، زهره ، بهره ، مهره ، چهره ۹ a ،  
باده ۲۵ b ، همه ۲۵ b ، عربده ، خاصه ، سایه ۲۲ b ، ایستاده ، بیاله ،  
جامه ۳۳ b ، شادمانه ، میانه ، منانه ، یگانه ۵۶ b ، نهفته ، گفته ، شکفته ،  
خفته ۹۳ a ، قطعه ۱ b ، مقارنه ۱ b .

ب - با اضافه همه جامفوح است مانند : بی (به بی) ۱ b ، بستوری  
۲ a ، بهمانی ۲ a ، بطریق ۲ a ، بلقay ۲ b ، بهریک ۳ b ، تکف ۴ b ، بروز

۶b ، بدان (به آن) ۲۷b ، بشرط ، بیکبار ۴۹a .

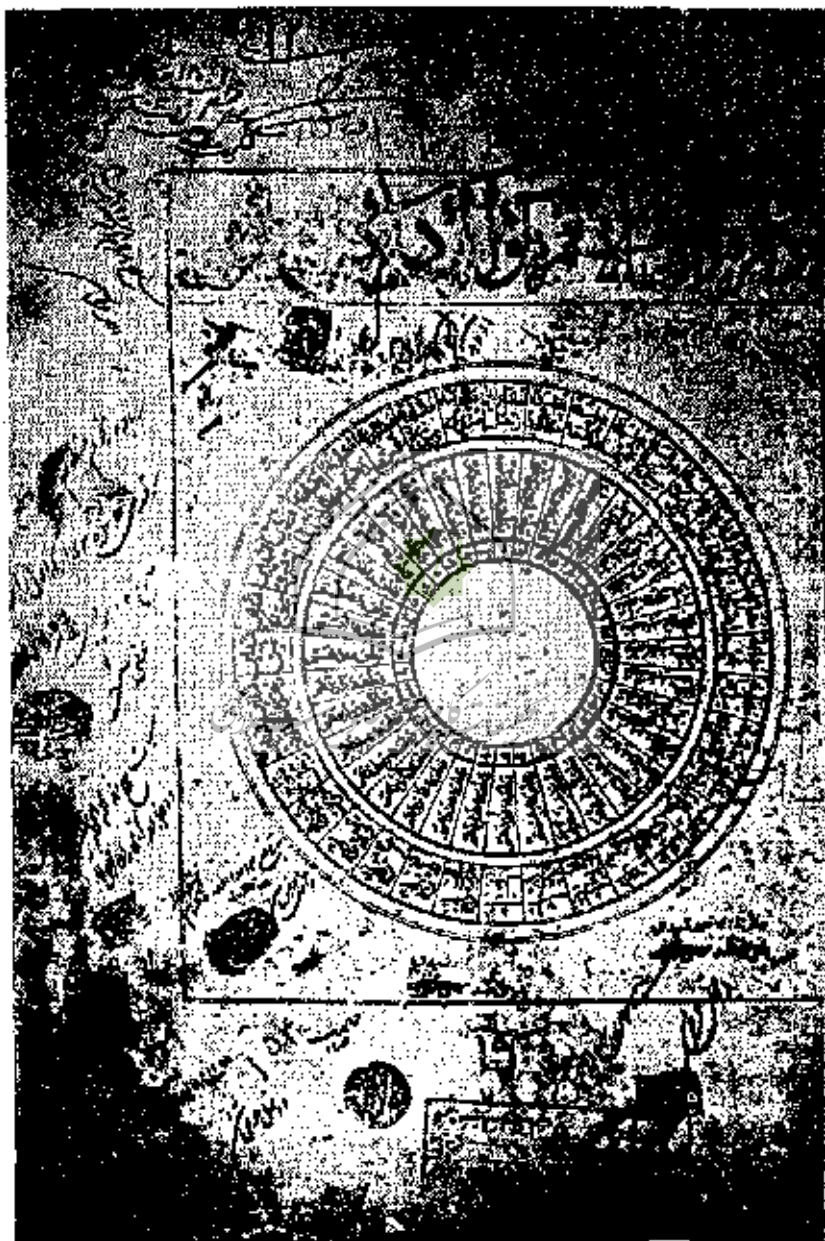
ج- باء تأکید نیز مفتوح است : بستان ۱b ، برود ۲a ، بخوان ۲۳a ، بخوان ۵۸a ، بکن ۶۷a ، بفرست ۷۵a ، بفروش ۸۷b . دریک مورد نیز باء تأکید مکسور است : بنه ۴۰b .

د- آتش ۶۹a ، آبله (= آبله) ۳۹a ، ازبی ۱a ، بیایی ۶۵a ، پیغام ۷۵a ، چهره ۲۸b ، ششم (= ششم) ۶b ، شکر ۴a ، کیوان ۶b ، لاف ۴۱b ، می (بمعنی باده) ۱b ، ترخ ۷۹b ، وی ۲a ، ورا ۱۹b ، هزدهم ۲b ، هفدهم ۴b ، هنگام ۱b ، یکی ۲a .

ه- فتحه بجای ضمه : الف- اعداد ترتیبی مختم به «م» برخلاف امروز با «م» تلفظ می شده اند : یکم ۵ ، دوم ۴ ، سیم ۳ ، چهارم ۲ ، پنجم ۱ ، ششم ۶ ، هفتم ۷ ، هشتم ۸ ، نهم ۹ ، دهم ۱۰ ، یازدهم ۱۱ ، دوازدهم ۱۲ .

ب- مردم آوردن ۸a ، ضمه بجای فتحه : توان ۶۷a ، نتوان ۴۸b ، توانگری ۶۰b ، جوال ۶۷b ، جوانمردی ۲b ، جوانان ۱۷b ، جوان ۵۳b ، دبیر ۲۴b ، درویش ۲۲b ، دوازدهم ۳a ، سواری ۱۶b ، گزند ۷۴b ، نگوئیده ۶۸b ، نعباد ۷۳a ، هزینه ۹۷a .

ضمه بجای کسره : چنان ۵a ، هم چنین ۲۷b . کسره بجای فتحه : الف- حرف بیش از ضمائر متصل هموماً مکسور است : کرانت ۵b ، ورت (و باربت) ۲۵a ، کش (که بش) ۱۰a ، کت (که بت) ۸b ، بابت ۳۰a ، عقلت ۵۰a ، چشمش ۵۹b ، دورانش ، سانش ، فرمایش ایمانش ۵۵b .



صفحه اول نسخه خطی اختیارات منظوم

<p>و بعد از این و سینه          چایه بود که در سخن کرده          کسب کرد که سینه و کف          چنان بود که از او نماند          هر که بود که از او نماند          و طبعه این و سینه          بود بهیچ کار و امر و جان          که در سینه و کف          یا از او نماند          یا از او نماند</p>	<p>عبارت در هر سینه          که در سینه و کف          که در سینه و کف          که در سینه و کف          که در سینه و کف          که در سینه و کف          که در سینه و کف          که در سینه و کف          که در سینه و کف          که در سینه و کف          که در سینه و کف</p>
--	---

صفحه آخر نسخه خطی اختیارات منظوم

## ب - دریغ b ۹۹ .

تلفظ چند کلمه دیگر نیز در این نسخه قابل توجه است: خور (= خورشید) b ۴۹ - که با کلمات: یکسر، ساغر، دیگر - و خور (فعل امر از خوردن) a ۲۰ که با کلمات: سفر، شر، حضر قافیه شده است. سخن b ۲۵، کهن b ۲، کهن a ۲۰، خوش b ۶۲، خوش (باد و ضبط) b ۳۰ - شعر (فعل امر از شمردن) a ۵۲ - عطر b ۶۱ .

بعلاوه در کتابت بعضی از کلمات در قیاس با کتابت آنها در قرون اخیر حرفی زائد نوشته شده است: چونان کجا = چنانکه b ۱۵، a ۳۱، چونان، چونین b ۱۰۰، چونانک b ۲۶، اومید b ۳۸، اوفتادن b ۶، اوستاد b ۴۱، آشکاره b ۴، آشکاره کردن b ۸، ازیرالک b ۷۲، بازار گانی b ۱ . در چند کلمه نیز حرفی به حرفی دیگر بدل شده است مانند: لاژورد (= لاجورد) a ۳، یافه گوی (= یافه گوی) a ۳۲، بیران (= ویران) a ۸۳، ایچ (= هیچ) b ۸، ایچ گونه b ۶۳، دوتو (آن شخص را که پشت دوتو باشد) b ۸۲ . اهم اختصاصات دستوری نسخه مورد بحث که حکایت از کهنگی متن می کند باختصار عبارتست از: جمع بستن کلمات غم، آنده و فرهنگ بشکل غمان a ۶۵، آندهان b ۲، فرهنگان (خداوندان فرهنگان) b ۷۸، جمع بستن کلمات جمع عربی: مجاریها a ۲۳، بکار بردن کلمه جمع «رخان» a ۳۰ . هردوان b ۲۰، کفاف تصغیر: روزک b ۷۷، کثرت استعمال ضمائر متصل: کش b ۷، کیت b ۸، آنت b ۱۲، ارت (از + ت) b ۱۵، آنچت a ۴۸، میانسان a ۴۱، چت (چهدت) a ۶۲، همت (هم + ت) b ۹۸، ضمیر او برای غیر مافل a ۲۶، صفت مؤنث برای موصوف فارسی: اوستاد عاقله b ۴۱، زنان مطربه a ۲۲، سخت بصورت قید کیفیت (سخت پسندیده است) b ۳۷، بسود a ۷، بوند b ۲۷ و a ۶۷ از مصدر بودن - فعلهای پیشاوندی: بر خواندن b ۶۸، فرو کردن b ۶۶، بر باشیدن b ۸۲، در پدیرفتن b ۶۲، در رسیدن

۳۷a درخواستن ۶۲a: فرونشستن ۵۱a، برگرفتن ۶۶a، برآمدن ۱۲a، برزدن  
 [۲] درگشتن [a] و... همی بجای می ۵۲a و ۶۶a. فعلهای مرکب نهاده داشتن ۹۸a.  
 بسته کردن ۷۳a. با تاکید پیش از جزء اول فعل مرکب: عبادت کن [a]. مفعول  
 بواسطه (متمم) با دو حرف اضافه: به نور اندر [a]، به نور در [۲]، به نور درون [۸b]، به برج  
 جوزا در [۱a]، به حرب و به صید اندرون [۳a]، به بزم درون [۷a]، به دل پر [۸۰a].  
 مفعول بی واسطه با «مر»: مر آترا سپار [b] ۲۰. ادغام حرفهای مشابه: دوستر  
 [۱۷b]. «نه» بیجای «نا»: نه معور [b] ۹۱. «را» بمعنی «برای» (دوای درد  
 شعانرا بخرمی می خور) [۲۷]. بیا مصدری در آخر کلمات عربی: بخیلی، لثیمی  
 [۸۴b]، ریسی [a] ۳۴. و نیز استعمال حرف اضافه «در» و «اندر» به هر دو  
 شکل [b] ۱.

تأثیر زبان عربی در این کتاب بصورتهای زیرین دیده می شود: استعمال  
 جدهای مکسر: اصحاب قلم، اشراف، کبار، صغار [b] ۳۰، املاک [a] ۸۲، معانی  
 [۱b]، هیاکل [۳b]، نقط [b] ۴۴، محیل، انجم، افلاک [a] ۷۷ - جمع مؤنث سالم: آلات  
 [۲]، حرکات، سکران [b] ۲۷، کلمات متون دارند خصوصاً [a] ۲، اصلا [b] ۵۸.  
 ترکیبات و جمله های کوتاه عربی در چند مورد: هن قریب [a] ۳۷، علی الخصوص  
 [a] ۶۵، مد من العزم [b] ۷۱، لاخیر فیه [b] ۲۷. ذکر این موضوع لازم بنظر  
 می رسد که در این نسخه کلمات مهجور عربی بیشتر در برخی از قطعات  
 بعنوان قافیه بکار رفته است: هیاکل، مشاکل، آجل، مداخل [b] ۹۵، صاعد  
 فراید، قصابید، قاید [a] ۹۸، رمز، همز، جمز، غمز [b] ۹۷، علوم، بوم، نوم،  
 رسوم [b] ۱۲، مقابله، مزایله، مفاصله، معامله [b] ۴۴، اعظم، ضیفم، اهیم،  
 خام [b] ۵۲، جاریه، زاویه، هاویه، باطیه [b] ۸۸.

موضوع قابل توجه دیگر که نشان می دهد این نسخه در شمار آثار  
 نسبتاً قدیمی منظوم فارسی است، کثرت لغات و ترکیبات کهنه و کم استعمال  
 فارسی در آنست مانند:

## آبرخ

با بستی خورشیدچهر آبرخ خود را بهمی

در زمین آرزو گستاخ تخم لهورکار ۵۸

آذین : زینت ، آرایش .

در قوس چو تائب فتمد مه را باخوَر

بر چرخ چو بودست مه و خور را آذین ۷۲۸

آمیغ : آمیخته ، در ترکیب «نشاط-آمیغ» .

گفتن آنک ابتدا و سفر با عمارت بود نشاط آمیغ ۹۱۸

## الفغمه

وین باده بدان ده که بدست آمده باشدش

بی رنج زالفغمه خیری بخوشی گنج ۲۶۸

بریشم ، مخفف : ابریشم بمعنی نوعی از آلات موسیقی .

تو آنکسی را کاصلاح اسلحه داند

بلهه : ریش انبوه .  
۱۰۸۸ مرکز تحقیقات کبوترپروری

آنکسی را دهسه گانی جور کوبلمه بود

زانک از بلهه نیاید جز حماقت هیچ کار ۸۱۸

تنبیل : نیرنگ ، افسون ، حیل ، مکر .

چون فتمد در نورمه مریخ در عقرب مترس

دری از نیرنگ و زرق و تنبیل و مکر و حیل ۷۸

چارپاره : یک جفت زنگ رقصی ، یکی از آلات موسیقی

و آنرا دهی شراب که داند زدن بصنعت

باساز اوستادان در رقص چارپاره ۱۰۳۸

چغانه : یکی از آلات موسیقی .

آترا ده از میان حریفان به چوور باده

کو نیکتر زند ز همه مطربان چفانه ۱۷b

چفانه : صراحی ، پیاله شراب .

تاجمله باز خوردن و دادن بدان حریف

کار تو با پیاله و جام و چفانه است ۸b

خنج : سود ، نفع ، شادی ، طرب .

گر باشد مبلت بسری باده خریدن

از بهر سفر کردن انده دهلت خنج ۲۶j

گاه تعلیم و جامه نو کردن کین و آنت دهد بشیکی خنج ۲۵b

دشمن رویی

بس بدشمن رویی از ساقی یکی سافر بخواه

و آتکسی را ده که باشد دوستانرا همگسار ۵۸b

دل آویز

چون از سفر و آنچه بدین هردوسه ماند

کاندر وی ازینها نشود روح دل آویز ۹۸b

دند : احمق ، کودن .

مختار دان بخوردن داروها دانا و دند وزیرک و ابله را ۲۳j

دوستگانی : پیاله پر شراب که کسی در نوبت خود از روی محبت و صفا

به دیگری دهد .

این چوور و دوستگانی آترا ده کو زشت تر بود به رخ و چهره ۹۵b

رائین : شلوار ، زرهی که در روز جنگ بدان رانها رامی پوشانند .

شخصی زحریرغان بگزین وز سر بازیش

بر پشت نشین کرده برون موزه ورائین ۵۳۸

زادمردی : جوانمردی، آزادمردی .

وربایدن که یارشوی بانشاط و لهو

شو جفت زادمردی وزبخل باش دور ۳۰۸

زی

چون بود مه به جدی دروقتی که برد زهره رخت زی سرطان ۸۳b

سینج

چون بحمام رفتن و جستن پسرودختر از برای سینج ۴۵b

ستبه : زشته، کویه .

چو تریع زحل افتد قمر را به دلو آنهر زگردون سنجه ۸۹۸

سکره بازی

ازبهر قمع کردن آن کو بودیدین ره

۱۰۲۸ سکره بازی سکره بازی

سگانه : جام و پیاله شراب ، اقام نلانه

پس جووروسگانه بدان کسی ده کت رای بودازسخی وازدون ۲۲۸

سه تانی

سه گانی جووروا ازراه خصمی بدانکس ده که گوهر نیستش پاک ۷۹۸

شاخ شانه زدن :

وگر نه آنکسی را ده که داند زدن در مجلس ما شاخ شانه ۱۰۲۸

شب بازی

بانه بدان دهی که بشب بازی از حوریرغان

بر اسب چابکی نبود کس چنو سواره ۱۰۳

## شراب پنج گانه

پس آنرا ده شراب پنج گانه که بگذشته بود سالش ز پنججاه ۲۱b

## شکنبه

ازین جمع حریفان بی درنگی بدان ده می که او باشد شکنبه ۸۹b  
کامه : مراد ، آرزو .

به باز هوا صید کن کبک کامه که تا از پی آن تعانی تو مرهون ۱۰۰b  
گریغ : گریز ، فرار .

به معرفد سبار و خوش بنشین ساغری باده از برای گریغ ۹۹b  
لخت : گرز ، نمود .

یا ده بد آنکسی که سبک تر بودش نام

یا ده بد آنکسی که گران تر بودش لخت ۹۳b  
می مغانه : باده ای که مغان و زردشتیان فراهم سازند .

چون ساختن کیمیا تو کردین تدبیر امور می مغانه ۵۶b  
ورج : قدر ، مرتبه ، شأن و شوکت .

اگر خواهی که بایی جاه خسرو و گر خواهی که بینی ورج جمشید ۳۲b  
هنگ : فهم ، ادراک ، هوش ، وقار

چون مه به حوت باشد و کیوان به سنبله

دارد میانه از ره فرهنگ مرد هنگ ۱۰۱b

ابن چندلفت و ترکیب را بعنوان مثال بلاکر شاهد عرض کردم ، اما اگر بخواهم دیگر لغات و ترکیبات قابل ملاحظه ای را که در این نسخه آمده است بدین ترتیب ذکر کنم ، سخن بدرازا خواهد کشید . بدین جهت ذیلا برخی دیگر از کلمات مذکور در این کتاب را بی ذکر مثال بعرض می رسانم : آتش نشاندن ، آسمانه ، آهنگ ، از پی ، از در ، الفنج ، ابازی ، انده گنان ،

ابدون، بآیین، بازارگانی، بازی‌گری، بازی‌گری، بام‌ویوم، بایستن، بداندیش، بدست‌کردن، بدگوهر، برکرانه‌راندن، بسامان، بسته‌میان، بسپارموی، بنا‌افکندن، بنا نهادن، بنا‌اشدن، به‌روزی، بویا، بی‌چون، بوسنگ، بی‌فسانه، بیگانه‌طبع، بی‌گه‌خیز، بی‌هشانه، پای‌کوبان، پای‌کوبیدن، پرهیزیدن، پورا، پویدن، پیراستن، تک‌و‌پوی، تن‌آسانی، جادو، جگر‌خوردن، چشم‌و‌گوش نهادن، چنان‌چون، خاییدن، خجسته، خداوند (سلاح)، خرشید چهره، خسته، خطر‌کردن، خنیاگر، خنیاگری، خودکامه، خیره‌روی، داد از کسی شدن، داد دادن، دادار، دانستن (نوانستن)، دیر، درخور، درخورد، دستوری، درزمان، دل‌آویزی، دل‌افروزی، دواکردن، دهقان (بمعنی متداول در قرن سوم و چهارم هجری)، دوروی، رگ‌زدن، روابی، زن‌کردن، زبید، زاخای، ساتگین، سان، ستیزیدن، سخاگر، سخن، سرخ‌روی، سره، سزیدن، سگالش، سگالیدن، شبان‌روز، شست (دام)، شمار (علم)، شناسنده، شیرشکر، طرب‌زای، طبیعت‌گر، فمگسار، فتر، فراهم‌آوردن، فرهنگ، قسوم، فلک‌بیمای، قفا‌خوردن، کجا (کجه)، کران‌گرفتن، کرانه، کردار، کزتی‌چستن، کین‌توری، گور (بیا)، گراییدن، گرم، گستریده، گسیل‌کردن، لعل‌سان، لعل‌فام، مانستن، ماننده، مردمی، موزه، مهوش، مهی، مهین، میخ، نام‌بردار، نام‌وننگ، نایی (بلی‌زن)، نگون، نیوشیدن، هرزه‌کار، هنری‌مردم، همیلدون.

بجز مطالبی که دربارهٔ قدمت کتاب مورد بحث بعضی رسانیدم ذکر چند موضوع دیگر نیز در این باب بی‌فایده نیست:

۱- اشاره به برخی از قهرمانان حماسی و پادشاهان کیانی:

اگر خواهی که بر تخت سعادت شوی از خرمی مانند جمشید ۸۱b

پس آنگاه ی‌دو ده می‌زهر خوردن و دادن

که رستم را نداند برد الا باره رستم ۷۱b

۲- بکاربردن کلمه «کیان» بمعنی «شاهان» در چند مورد :

گرت رای افتد که آبادان کنی در خرمی

مر زمینهای طرب را چون کیان باستان ۴۰۵

۳- استعمال کلمه «دهقان» ، بمعنی زارع و کشاورز ، بلکه بمعنی

طبقه محترمی که در قرون اولیه اسلامی در خراسان و ماوراءالنهر می زیسته اند  
و فی العثل فردوسی نیز از این طبقه بوده است :

بل شاید از ریاست و دهقانی آشکارا

راندن حدیث و نیک بود هر چه زان بگویی ۸۴b

در دلو چو با مهر فتد مه را تلیث

حاجت مطلب از علما و ز دهاقین ۹۱۵

مر دیدن پیران و دهاقین را

۵۲b

پس از سرشادی و نشاط و طرب و لهو

آترا ده می گو بود از جمع دهاقین ۷۲۵

۴- نام بعضی از برجها و کواکب به فارسی نیز ذکر شده است :

خرچنگ = سرطان ۲۶a ، ناهید = زهره ۲۸a ، کیوان = زحل ۶b

بهرام = مریخ ۵b ، تیر = عطارد ۶a ، زاوش ۱۰a ، زوش ۴a = مشتری ،

دویگر = جوزا ۷۱a ، کمان = قوس ۷۴a ، برجیس = مشتری ۷۰a ، هور

۵۶b ، مهر ۸b ، خورشید ۱۰۰b ، خورشید ۲۸a ، خور ۲b ، آفتاب ۲۶a

= شمس .

## یادداشتها:

۱- فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، جلد هشتم، تألیف: احمد گلچین معانی، صفحات ۱۴ تا ۱۸، سال ۱۳۵۰. فاضل محترم آقای گلچین معانی این نسخه را «اختیارات منظوم» نامیده و ضمن ذکر عناوین قطعات سرودشی گانه مربوط به هربرج ۴ و شه قطعه چهاربیتی از اشعار کتاب، نوشته‌اند نسخه متعلق به اوایل قرن هفتم و اشعار از قرن پنجم و ششم هجری است.

مشخصات نسخه خطی به نقل از فهرست مذکور: خط نسخ، تحریر حدود اوایل قرن هفتم هجری، کاغذ حیایی سمرقندی و مجدول، ذوایر و عناوین به ششگراف، ۱۰ م، اندازه جدول ۱۴×۱۷/۸، یک عدد و چهار برگ، ۱۹/۵×۲۷/۲، جلد تیماج ضربی ترمیم‌یافته، واقف نادرشاه اشراف، تاریخ وقف ۱۱۴۵.

۲- دوست دانشمند آقای محمد تقی دانش‌پژوه به بنده راهنمایی کردند که نسخه مورد بحث را با نسخه خطی اختیارات منظوم منسوب به خواجه نصیر طوسی محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مقابله کنم. در مشود برای دسترسی به این نسخه، از راهنمایی دوست فاضل آقای گلچین معانی استفاده کردم و پس از مراجعه بدان معلوم گردید که نسخه اختیارات منظوم منسوب به خواجه نصیر طوسی بهیچ وجه شباهتی با نسخه اختیارات منظوم کتابخانه آستان قدس ندارد. مشخصات نوزده نسخه خطی از اختیارات منسوب به خواجه نصیر طوسی در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، جلد یکم، تألیف احمد منزوی زیر عنوان: اختیارات مسیر لمر - اختیارات الموهبات آمده است. نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه در جنگی قدیمی به شماره ۲۴۴۹ که احتمالاً در قرن هفتم یا هشتم هجری کتابت شده مذکور است. این جنگی در سال ۱۳۴۳ بهیست آقای حبیبی یثمانی به نام «نمونه نظم و نثر فارسی از آثار اساتید مقدم» بچاپ رسیده است. نام اختیارات مورد بحث در این مجموعه «مدخل منظوم در معرفت تقویم» است. دانشمند محترم آقای حبیبی یثمانی ناظم آنرا بقول خواجه نصیر طوسی و بقول دیگر عبدالجبار خجندی دانسته‌اند.

این نسخه مجرماً مشتمل بر ۳۰۷ بیت است که در نسخه چاپی در صفحات ۱۵ تا ۲۲ بجای رسیده است. آغاز و انجام آن براساس نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران عبارتست از:

آغاز:

بسم الله الرحمن الرحيم

وبه توکل و نستعين

مرد دانا سخن ادا نکند تا بنام حق ابتدا نکند

انجام:

باد از ما درود بر مونس هم بر اصحاب و اهل او بکس

تم المدخل - بحون الله و حسن قوليته

علاوه بر نسخه های نوردگانه مذکور در فوق «دو فهرست منزوی دو کتاب دیگر نیز به نام «اختیارات منظوم» ناشناخته ها آمده است که اولی [۸] بیت دارد و دومی براساس آنچه در فهرست نوشته شده است با احتمال قوی بخشی از اختیارات منظوم منسوب به خواجه نصیر طوسی است زیرا آغاز آن:

چون بود در بروج زانچه ماه جامه بپریدن اختیار مغواه

منطبق است با نخستین بیت از «جامه بپریدن» اختیارات منسوب به خواجه نصیر طوسی در صفحه ۲۵ چاپ آقای حبیب یغمائی.

۳ و ۴ - التفهيم لاوائل صناعة التنجيم ، با تصحيح و مقدمه و شرح و حواشی: جلال

صائلي ، تهران ۱۳۱۸ . بترتيب صفحات ۲۱۶ و ۵۲۸ .

۵- از جمله واك . چه مقاله نظامی عروضی سمرقندی: اما دبیر و شاعر و منجم و

طبيب از خواص پادشاهند . ص ۱۸ ، بگوشش: دکتر محمد معین ، چاپ ۱۳۳۳ ، تهران .

۶- کتاب الانبیه عن حقایق الادویه ، ابومنصور مولق بن علی الهروی ، مکتوب بال

۱۱۷ هـ . ق. به خط اسدی طوسی ، کتابخانه عمومی وین بشماره A. F. 340 .

۷- هداية المتعلمين فی الطب ، ابوبکر ربیع بن احمد الاخوانی البخاری ، کتابخانه

پادلیان آکسفورد ، انگلستان ، بشماره Ms. Pers. C. 37 .

- ۸- بخش از تفسیر سورآبادی، کتابخانه آبنبار آفیس، لندن، شماره ۳۸۴۰ .
- ۹- تفسیر بصائر، نسخه استثنوی شرق شناسی لندن گراد، شماره C - 1409
- ۱۰- وک - ذیرنویس شماره ۵ .
- ۱۱- کیمبای سعادت، کتابخانه موزه بریتانیا، شماره Add. 25026 .
- ۱۲- دیوان خاقانی، کتابخانه موزه بریتانیا، شماره Or. 7942 .
- ۱۳- فرجه فارسی احیاء العلوم الیدین عزالی، کتابخانه موزه بریتانیا، شماره Or. 8194 .
- ۱۴- جوامع الکتاب، نسخه استثنوی شرق شناسی لندن گراد، شماره D - 327
- ۱۵- قرآن با ترجمه فارسی و ترکی، محتملاً از قرن ۱۴ یا ۱۵ میلادی، کتابخانه John Rylands، منچستر، انگلستان، نسخه شماره Cod. 760 - 773
- ۱۶- تحول تلفظ کلمات فارسی در دوره اسلامی، نوشته: جلال متینی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره دوم، سال هفتم، ص ۲۷۷ و ۲۷۸ .

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی